



یکشنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۹۰۹
www.hammihanonline.ir



اعدام‌های فزاینده و نابازدارنده

یادداشتی از **احمد زیدآبادی**
درباره گزارش اخیر سازمان ملل از ایران



صلح اوکراین دور از دسترس

بررسی دیدار ترامپ و زلنسکی در کاخ سفید
و دیدار آتی با پوتین



مصونیت پارلمانی و نگاه سیاسی

یادداشتی از **سمیه متقی**

درباره محکومیت یک نماینده به حبس و منع فعالیت رسانه‌ای



ترك مدرسة به دنبال يك لقمه نان

روایت دانش‌آموزان و مدیران مدارس خوزستان از دلایل افزایش ترک تحصیل

با ابلاغ پیوستن به CFT از سوی رئیس مجلس قصه FATF بالاخره به سر رسید

گزارش
سیاست
۲۰۳

صادق زیبا کلام استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران



پارلمو و CFT و در نهایت حل پرونده FATF قدم مکملی بود که باید پس از
برجام برداشته می‌شد اما این اتفاق نیفتاد. در واقع نشان دادیم که اینجا
چیزی تغییر نکرده و تنش‌زدایی در کار نیست. ما همچنان دنبال اقدامات
پیشین هستیم. چراکه برجام توقعاتی به وجود آورده بود. اما تدریجاً
داخلی نشان دادند هیچ چیز عوض نشده و همان مسیر جریان دارد.

علی بیگدلی استاد دانشگاه شهید بهشتی



این که امروز و در شرایط واقع در بازه زمانی دوساله پس از هفت اکتبر این
کنوانسیون‌ها را پذیرفتیم، احتمالاً دلیل اصلی‌اش تغییر شرایط ایران و
بازوهای منطقه‌ای آن است. فعالیت‌های گسترده پیشین دیگر برای ایران
ممکن نیست و در حال حاضر امیدواریم گشایشی حاصل شود که البته
باید تغییراتی در سیاست‌های پیشین بدهیم.

سرمقاله

شاهنامه و CFT

در تاریخ مذکور است که حکیم ابوالقاسم فردوسی پس از اتمام شاهنامه، به امید پاداش آن را نزد
سلطان محمود غزنوی فرستاد. شاهنامه‌ای که ۳۰ تا ۳۵ سال از وقت گرانیهای فردوسی را گرفته
و ایران را زنده کرده بود. ولی رقیای فردوسی (شاعرانی چون عنصری و فرخی) از شاهنامه بدگویی
کردند و آن را بی‌ارزش و در تضاد با اسلام خواندند. سلطان محمود نیز تحت تأثیر این بدگویی‌ها، به
جای پاداش متناسب با این اثر سترگ، که ده‌ها هزار دینار طلا بود، تنها اندکی درهم نقره و کم‌ارزش
برای او فرستاد. فردوسی که این رفتار را توهین به خود و شاهنامه دانسته و آزرده‌خاطر شده بود،
این پول ناچیز را نپذیرفت. گویند آن را به حمای‌ها و آبجو فروش‌ها بخشید و از ترس خشم سلطان
محمود، ترک دیار کرد. او در غربت، همچونامه معروف خود را در نکوهش سلطان محمود سرود.
سرانجام در زادگاهش توس درگذشت. سلطان محمود پس از مدتی که ظاهرأ ۷ سال است از کرده
خود پشیمان شد و دستور داد همان پاداش شایسته را برای فردوسی ببرند اما هنگامی که کاروان
حامل پول به دروازه توس رسید، جنازه فردوسی را از دروازه دیگر شهر بسوی گورستان ببرون
می‌بردند. پسر فردوسی نیز از پذیرش این پول خودداری کرد. ما نمی‌دانیم این روایت چه اندازه
درست و واقعی، و چقدر افسانه است؟ ولی فارغ از صحت و سقم آن، هر چه هست، شایع و آموزنده
است. داستان تأیید ورد CFT در مجمع تشخیص مصلحت نظام و ساختار تقنینی ایران از این الگو
و شاید هم بدتر از آن، پیروی کرده است. مجلس دهم که حتی اصلاح‌طلبان هم در آن دست بالا
رانداشتند برای نجات ایران، FATF و مجموعه آن را تصویب کردند ولی ابتدا در شورای نگهبان
و سپس مجمع تشخیص با سعات و بدگویی بدخواهان کشور تأیید نشد. این لوایح در مجلسی
با اقلیت اصلاح‌طلب تأیید شد، به‌جای تقدیر آن را نادیده گرفتند و خلاف اسلام و مصلحت و...
دانستند. معلوم نشد که ۷ سال بعد چه اتفاقی رخ داد که تأیید گردید. اگر درباره شاهنامه حداقل
و در ابتدا پاداشی ولو اندک برای فردوسی فرستادند ولی اینجا حتی پاداشی هم نگرفتند، سهل
است که هزینه هم دادند، و بدتر از همه این که ایران هم تحریم شد و راهی برای برون‌رفت از آن باز
نگذاشتند. در این ۷ سال شاخص تورم، جهشی بزرگ و بی‌سابقه کرد و از متوسط ۱۰ درصد در
سه سال پیش از تصویب به یکباره به بالای ۳۰ و ۴۰ درصد رسید و تا امروز به‌طور میانگین بیش
از ۴۰ درصد شده است. اکنون به هر دلیلی این مصوبه را تأیید و رئیس مجلس هم آن را ابلاغ
کرد، ولی بعید است که گرهی را از ایران بگشاید. بیشتر شبیه نوشدارو است و به قول شهریار:
«نوشدارویی و بعد از مرگ سهراب آمدی.» حالا که آمده و ابلاغ شده ولی دو نکته مهم است.
یکم: سعایت‌کنندگان و سنگ‌اندازان همچنان مشغول کار هستند و هر طور که بتوانند مانع از هر
تصمیم مفیدی به سود میهن و مردم خواهند شد. ❏

گزارش
اقتصاد
۱۰-۱۱

در حالی که اخبار رفتن **محمد رضا فرزین** از بانک مرکزی
هر روز پررنگ تر می‌شود شایعات زیادی درباره احتمال
جایگزینی او با **عبد الناصر همتی** منتشر شده است.
هم میهن در گفت و گوبا احمد جان جان، حمیدرضا قاسمی
و پیمان مولوی این موضوع را بررسی کرده است

خبر
آخر

آمد و رفت؟